

### ده سال حکومت وحشت و جهالت

درست ده سال پیش آیت الله روح الله الموسوی خمینی سرچشمای محمد رضا پهلوی تکیه زد . اکثریت مردم ایران روی کار آمدن خمینی و اعطای موجودیت رژیم وی و از صحنه خارج شدن رژیم پهلوی را با شادی و سرور برگزار کرده در خیابانها به پایکوبی پرداختند . نیروهای چپ و راست و میانه - البته به استثنای سلطنت طلبان - همه و همه ، مقدم خمینی را بعنوان رهبر انقلاب و بنیانگذار اولین رژیم اسلامی در ایران گرامی داشتند . برای خیلی ها رژیم اسلامی حکم رژیمی انقلابی و دموکراتیک را داشت . همه جا صحبت از فرا رسیدن "بهار آزادی" و سپری شدن دوره تلخ و سیاه دیکتاتوری پهلوی بود . سازمانها و احزاب انقلابی در مسدود و ستایش شعور انقلابی - سیاسی مردم ایران مقالات مطولی برشته تحریر در آوردند و ...

بدینسان با آغاز دوره فرمانروایی مذهب و آخوندها با عنوان رسمی "جمهوری اسلامی ایران" ، دوران ۲۵ ساله سلطنت به اتمام رسید . آخوندهای حاکم بلافاصله به رژیم خود قانونیست داده استقرار "جمهوری اسلامی ایران" را به فرزندم گذاشتند . این جمهوری بعنوان حکومتی برخاسته از انقلاب بهمن ، بقیه در صفحه ۲

### پیام کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن

بهمن ماه ، یادآور دو رویداد تاریخی و سیاسی بزرگ در زندگی خلق ترکمن است . رویداد اول ، وقوع انقلاب ۲۲ بهمن و فروپاشی نظام دوهزاروپانصد ساله شاهنشاهی که هر یک از شاهان آن ، فصلی تاریکتر از دیگری بر جنایات این نظام در سرزمین ترکمن افزوده بودند ، می باشد . رویداد مهم دیگر ، روز ۲۶ بهمن ماه ، روز بنیانگذاری کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ایران است . این دو رویداد بزرگ ، هر کدام جایگاه ویژه خود و تأثیر و نقش متفاوتی را بر

مسیر مبارزات خلق ترکمن گذاشته و می گذارند . اگر از دل انقلاب بهمن ، بر خلاف ضمون و آماج های انسانی آن بختی بنام جمهوری اسلامی بیرون آمده ، روز ۲۶ بهمنماه تحولی اساسی در روند مبارزات طولانی خلق ترکمن در دستیابی به تشکیلاتی رزمنده که نمادی از ادامه مبارزات این خلق در شرایطی نوین و با کیفیتی جدید بود ، بوجود آورد . دستاورد های انقلاب بهمن ، بر خلاف انتظار برای خلق ترکمن چیزی جز جنگ و خونریزی عمیق ستم ملی در تمامی ابعاد آن ، بقیه در صفحه ۳

### ترکمنستان ایران وده سال حاکمیت فنگین ج . ا .

بدعت شومی که حکومتهای مرکزی ایران ، در طول قرنها از خود بر جای گذاشته اند ، علاوه بر اعمال ستم ملی به طرق گوناگون ، سرکوب خونین هر از چند گاهی خلقهاست . تاریخ نوبسان درباری همیشه سرکوب خلقهای تحت ستم ایران را بعنوان نمودی از قدرت و استحکام رژیمهای وقت و خفه ساختن هر گونه ندای حق طلبانه خلقها از طرف حکومت های مرکزی را نشانه ثبات سیاسی کشور و به عنوان قاطعیت و مقابله با تجزیه کشور و دفاع از تمامیت ارضی ایران ، قلمداد کرده اند . اما هیچیک از این رژیمها نتوانستند برای همیشه ندای حق طلبانه خلقهای تحت ستم ایران را خفه سازند و یا سقوط ذلت آور هر یک از آنها ، ایسن خلقهای تحت ستم بودند که قدرت و استحکام خود را اثبات کردند و نیز همین خلقهای سرکوب شده بودند که در برابر هر گونه حملات بیگانگان و در برابر سیاستهای ایران بر باد ده رژیمهای وقت ایستادند و همیشه نیز افتخار دفاع از وطن و یکپارچگی آن از آن این خلق - ها و تنگ خیانت به آن از آن حکومتهای بقیه در صفحه ۶

## ده سال هـ هـ

از طرف اکثر نیروهای سیاسی و مردم تأیید شد . با اعلام "جمهوری اسلامی" تالوده حکومت اسلامی بر اساس ولایت فقیه ریخته شد . سپس با تدوین قانون اساسی و تأیید آن از سوی مردم ، این حکومت "قانونیت" یافت . قانون اساسی جمهوری اسلامی حکومت را چنین تعریف می کند : "حکومت از دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه گری فردی یا گروهی نیست ، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملت می باشد ، هم کیش و هم فکر است که به خود سازمان می دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت بسوی الله) بگشاید . ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی بازگشت و اکنون برآنست که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند . بنابراین قانون اساسی حکومت اسلامی نیز صراحتاً تأکید می کند که جامعه ایران به لحاظ شیوه حکومتی به دوران "اسلام اصیل" بازگشته و آنچه از این پس حقوق شهر وندان را تعیین خواهد کرد ، موازین "اصیل اسلامی" دوران ۱۴۰۰ سال پیش خواهد بود !

بعد از سپری شدن ده سال از عمر حکومت سیاه اسلامی ، می توان به حاکمان و تدوین کنندگان قانون اساسی آن "حق" داد که ایران زیر سلطه این حکومت واقعا هم به "جامعه نمونه (اسوه)" تبدیل شده است . در این حکومت ، دیگر جایی برای مخالفین از هر تیب نبود . جامعه می - بایست کاملاً یکدست اسلامی و آنهم

اسلام خمینی می شد . ابتدا تسویه حساب خونین با سلطنت طلبان آغاز گردید . این فاز هنوز به مرحله اتمام خود نرسیده بود که نوبت تسویه همزمان خود آخوندها ، عبارتی دیگر گروه های سیاسی ای که تا آن زمان در کنار رژیم خمینی قرار گرفته و خود را طرفداران قلمداد کرده و خمینی را انقلابی و مردمی ارزیابی می کردند آغاز شد . این گروه ها در وجود آیت الله شخصیتی را می دیدند که به همه احزاب آزادی فعالیت داده و در سطح جامعه دموکراسی برقرار خواهد کرد .

دیری نپایید که اسلامیزه کردن کامل جامعه به شیوه "اسلام اصیل" شروع شد ؛ زنان مجبور شدند سراپای خود را با چادر و چاقچور بپوشانند ؛ از مردان حق پوشیدن پیراهن آستین کوتاه سلب شد ؛ موسیقی کلاسیک و بازی شطرنج ممنوع گردید ؛ زنان از خواندن آواز بازداشته شده و حق بازی در بسیاری از رشته های ورزشی از آنان سلب گردید ؛ بتدریج حتی حق کامل کار نیز از آنان گرفته شد . . .

مذهب جعفری اثنی عشری ( شیعه ) بعنوان مذهب رسمی کشور اعلام گردید ؛ "دین رسمی ایران ، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است . . ." (اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) ؛ در حالیکه خلق هایی چون کرد ، ترکمن ، بلوچ و . . . اهل سنت بوده و در صد قابل توجهی از جمعیت ایران را تشکیل می دهند . درست همین خلق ها بخاطر آرمان های آزادیخواهانه و دفاع از حقوق ملی خویش مورد وحشیانه ترین حملات

نظامی واقع شدند . کردستان و ترکمنستان شاهد وقوع جنگ های خونین بودند . خلق های عرب و بلوچ بشدت سرکوب شدند و در کردستان ده سال است که جنگ همچنان بیداد می کند . . .

خمینی و همپالگی هایش هر چند با شعارهای اسلامی و گاه مرفقی روی کار آمدند ، ولی از همان ابتدا با اعلام سیاست "نه شرقی ، نه غربی" ، ادعای پیمودن راه سومی را داشتند . در این رابطه از دادن شعارهای ضد آمریکایی و ضد شوروی نیز هرگز دریغ نشد . اینان در آن واحد هم کاپیتالیسم و هم کمونیسم را رد می کردند . برای درپیش گرفتن سیاست "نه شرقی ، نه غربی" ، رژیم خمینی خود را موظف دانست تا از "جنبش های رهایی بخش" جهان سوم حمایت کند . نمونه بارز این نوع حمایت ها "جنبش ساندنیستها" ، به عبارتی دیگر دولت نیکاراگوئه بود . از سوی دیگر ضد انقلابیون نیکاراگوئه ای از سوی ایالات متحده آمریکا پشتیبانی می شدند . "کوانتراها" می نیکاراگوئه ای سالهاست که به دولت و مردم نیکاراگوئه جنگ خونینی را تحمیل کرده اند . تمام تجهیزات نظامی اینان توسط دولت آمریکا تأمین می شود . بعد از افشا شدن تضاد های پشت پرده "ایران - گیت" معلوم گردید که دولت آمریکا بوسیله سودهای کلان حاصل از محل فروش اسلحه به جمهوری اسلامی ، ضد انقلابیون نیکاراگوئه ای را تأمین می کرده است . پشتیبانی همه جانبه از مجاهدین شیعه افغانی نیز همچنان در دستور کار رژیم بوده و هست . رژیم خمینی بعد از جافتسادن و تحکیم نسبی ، خود را بعنوان مرکز بیه در صفحه ه

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران !

## پیام...

زندگی ای سرشار از دلهره و بدبختی؛ بی آیدگی و تباهی برای جوانان، چپاول هستی این خلق و در یک کلام تعویق و ادامه همان سیاست نظام دو هزارمیاند ساله شاهنشاهی در شکلی خشن تر و با مدتی بسیار عقب مانده مبتنی بر ایدئولوژی منسوخ شده قرون وسطایی رژیم خمینی نبود. در مقابل، دستاورد بنیانگذاری کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن عبارت بود از: ارتقا غرور و شخصیت ملی این خلق، تأمین حاکمیت شورایی آن برای دومین بار در عصر کنونی، باز پس گیری زمینهای این خلق از دست غاصبسان و بورژوا - ملاکان، احیای هنر و ادبیات و سنتهای مرفقی آن، متشکل شدن تمامی اقشار و طبقات خلق در تشکلهای خاص خود، تعمیق آگاهیهای سیاسی واجتماعی آن از طریق گسترش افکار مرفقی و بالاخره رهبری مبارزات خلق ترکمن بوسیله کانون علیه ارتجاعترین رژیم کنونی در ایرا. اگر رژیم برآمده از انقلاب ۲۲ بهمن ضدیت خود با انسانیت و آزادی بود موکراسی را با سرکوب و اعدام و شکنجه و با پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق انسانی، تشنه داده، در مقابل کانون فرهنگی - سیاسی ملهم از سرشت انسانی خلق خویش، حتی در اوج قدرت نیز با پایبندی به آزادی مخالفین و تعمیم دموکراسی سیاسی به دموکراسی اجتماعی در منطقه و با احترام عیق به استقلال اندیشه و عمل تمامی نیروهای سیاسی ایران، نشان داد که در عرصه دموکراسی و آزادی، دشمن سرسخت دیکتاتوری و استبداد و به بنسب کشیده شدن اندیشه هاست.

دو ضمون متفاوت آیند و رویداد بزرگ بهمنماه که قدرت دوگانه ای را در منطقه تشکیل داد، بودند، طبیعتاً نمیتوانستند بعنوان دو روند از یک پدیده واحد در کنار هم زندگی مسالمت آمیز طولانی مدتی داشته باشند. درست بر مبنای همین عدم آشتی پذیری آیند و بود که منجر به بروز حادثه اسفناک ۱۹ بهمنماه سال ۵۸ برای خلق ترکمن، یعنی پایان دادن به حاکمیت خود مختار شورایی این خلق از طرف رژیم جنایت پیشه خمینی شد. اما مبارزین ترکمن، نه تنها با سرکوبها، شکنجه ها و اعدامهای رژیم، میدان مبارزه را ترك نکردند، بلکه برای فسرود آوردن بهمن مهیب دیگری بر سر خود رژیم، به مبارزه خود شدت دادند. خلق مبارز ترکمن! امروز ما اعضا و هواداران کانسون یعنی فرزندان راستین شما، با تأمین استقلال کانون، بعنوان تبلور اندیشه و عمل مستقل شما به مبارزه خود ادامه می دهیم که این خود یکی از بزرگترین دستاوردهای ما در عرصه ایدئولوژی - سیاسی، بعد از بنیانگذاری کانسون است. اگر کانون از مدتها قبل بعنوان تبلور اندیشه و عمل مستقل خلقمان وارد کارزار می گردید، مسلماً میزان ضربات وارد بر ما و بتبع آن، میزان دستاوردها نیز بیشتر از امروز می بود. ما بر ایسن باوریم که ضرورت استقلال تشکلهای رزمنده خلق ترکمن، ریشه در حق تعیین سرنوشت مستقلانه خلق ما دارد و تا مادامیکه هر خلقی در روند مبارزات خود، نماینده سیاسی خویش، یعنی تشکلهای خاص و مستقل خود را بوجود نیاورد، در تعیین

سرنوشت خود نیز بدون سلاح و وسیله خواهد بود و براحقی حق این خلق، همانگونه که تجارب جهان نیز آن را به اثبات رسانده، پایمال خواهد شد و همیشه "قیم" و "آقابالاسری" زمام امور در واقع سرنوشت این خلق را در دست خواهد داشت. و این امر در عصری که خود آگاهی اکثر خلقها، حتی خلقهایی که به لحاظ تعداد عدّه قلیلی را تشکیل می دهند، به حد کافی رشد کرده است، ننگی است برای خلق ما. بنابراین مسا، استقلال تشکلهای کانون را قبل از هر چیزی، چون مردمك چشم پاس داشته و خط مشی آن را منطبق با اندیشه و عمل مستقل خلقمان و در راستای منافع طبیعی سایر خلقهای تحت ستم ایران و برای برپایی ایرانی آزاد، پیش می بریم. اکنون کانون در شرایط بسیار دشوار و در شرایط دردناکی از حیات مردم ایران مبارزات خلق خویش را پی می گیرد. هر چند کشتار جوانان در جبهه های جنگ با پذیرش آتش بس، خاتمه یافته، اما رژیم ددمنش خمینی دست به کشتار پاک ترین و شریف ترین فرزندان ایران درزند آنها زده است. رژیم، بجای بازسازی ویرانهها ناشی از جنگ با اختصاص بیش از ۷۰٪ در آمد نفت به خرید جنگ افزار و اعزام بلا انقطاع نیروی کار جوان بسوی مرزهای ایران و عراق و یا کاستن از بودجه عمران و آبادانی کشور، ویرانیها را گسترش می دهد و با بهانه قرار دادن مسئله باز سازی، سعی در کشاندن ایران به زیر قروض کمرشکن خارجی رادارد. قیمت کالاهای مورد نیاز و روزمره مردم به حد بقیه در صفحه ۴

## پیام ...

افسانه ای صعود کرده و به موازات آن سودهای نجومی به جیب تجار و بازاریان سرازیر می شود. ارتش بیکاران روز بروز در حال گسترش است و با پیشروی اقتصاد کشور بسوی نابودی، هر خیل بیسکاران نیز هر روزه افزوده می گردد. اعتیاد، این دستاورد بزرگ رژیم خمینی، هر روز جوانان و خانواده های بیشتری را در چنگ خود گرفتار می سازد. تشدید اختناق و دیکتاتوری و لگد مال کردن وجدانهای آزاده ایرانیان از طرف رژیم ولایت مطلقه خمینی، قلب هر انسان آزاده ای را بلرزه در می آورد و ...

رژیم خمینی، هر چند این همه بدبختی و مصیبت را بر سر مردم ایران آورده است، اما دیگر خود نیز همانند گذشته قادر به حکومت کردن نیست. شیرازه امور هر روز بیشتر از هم می گسلد و کشمکشها و تناقضات درونی رژیم به اوج خود رسیده و قربانیان بیشتری از باندهای درونی رژیم می گیرد. در عرصه جهانی رژیم خمینی کاملاً منزوی شده و هیچ دولتی را بخاطر ترس از افکار عمومی جهانیان، یارای نزدیکی و کمک مستقیم به این رژیم نیست. روند دموکراتیزه کردن حیات سیاسی و اجتماعی بشریت، در مقیاس جهانی گسترش میابد و برای تعمیم این روند در ایران، بزرگترین مانع آن یعنی رژیم خمینی بعنوان لکه نشی بر دامان بشریت تمدن آستانه قرن بیست و یکم، باید از بین برود. بنا بر این، هم شرایط داخلی و هم شرایط خارجی بهیچوجه بنفع رژیم خمینی نیست. درست در چنین شرایطی است که نیاز ما

به شک خلقمان افزایش می یابد. اما، با تمامی اینها، رژیم خود بخود از بین نخواهد رفت، همانگونه که خود بخود بر سریر قدرت نیز نخیزد. بود. کلید سقوط رژیم چیزی نیست جز اتحاد گسترده و رزمجویانه تمامی خلقهای تحت ستم و زحمتکشان سراسر ایران. شیشه عمر رژیم را می توان با دستهای پرتوان آنها بر زمین زد و این دیو اهریمنی را نابود ساخت. در شرایط کنونی، راز بقای رژیم در عدم اتحاد و پراکندگی نیروهای سیاسی ایران و حتی گاه دشمنی در دناک آنها با یکدیگر است. طبیعی است که شرط اولیه و ضرور برای اتحاد جنبش خلقهای تحت ستم با جنبش سراسری، اتحاد نیروهای رهبری کننده این جنبش است. ما در همین سالگرد بنیانگذاری کانون، فرصت را مغتنم شمردیم و بار دیگر تمامی نیروهای سیاسی ایران را که علیه رژیم خمینی و علیه سلطه امپریالیسم در ایران و برای برقراری رژیم دموکراتیک، که برخاسته از اراده آزاد خلقهای ایران و زحمتکشان سراسر کشور، مبارزه می کنند، به اتحاد فرا می خوانیم.

اعضا و هواداران! امروز تشکیلات ما بعنوان تبلور اندیشه و عمل مستقل خلق ترکمن و مدافع غرور و هویت این خلق در راه پیسروزی آرمان والای خلقمان و سایر خلقهای تحت ستم و جهت تقویت هر چه بیشتر جنبش سراسری ایران مبارزه می کند. اگر تأمین استقلال کانون که اکنون بعنوان اسلحه نوینی در دستهای ماست، بسا درک عمیق حساسیت لحظه فعلی، در

آمیخته شود، مسلماً ما را هر چه سریعتر در به فرجام رساندن بیروزمندان مبارزات خلقمان رهنمون خواهد ساخت. شرایط فعلی ایران و جهان و ضعف فرط رژیم در ادامه حیات نتگین خود، از ما می طلبد که با اتکا بر تجارب ده ساله مان، از همین امروز مهر خود را بر پیشانی جنبش بزنیم و سهم شایسته خلق ترکمن را در رزم مشترک خلقهای ایران ادا نمائیم. بر فعالیت خود بیافزاییم و از طریق تعمیق پیوند خود با خلقمان و با کمک مادی و معنوی به تشکیلات رزمنده مان و بسا اتحاد عمل با سایر نیروهای مترقی و انقلابی ایران، زمینه تشکیل جبهه سرنگونی و شکل گیری آلترناتیو دموکراتیک و انقلابی از بطن این جبهه را فراهم آوریم.

مبارزین ترکمن!

همانگونه که جنبش سراسری ایران، از پراکندگی و عدم اتحاد گردانهای مبارز آن رنج می برد، متأسفانه جنبش ملی - دموکراتیک خلق ترکمن نیز عاری از این عارضه منفی و بازدارنده نیست. اما دلیل پراکندگی صفوف مبارزین ترکمن، دقیقاً همان دلایل پراکندگی در جنبش سراسری نیست و مسلماً راه غلبه بر آن نیز ساده تر از راه های بیرون رفتن از بحران جنبش سراسری است. عده دلایل پراکندگی در صفوف ما، دلایلی مصنوعی و ساخته ذهن علیل و تحلیلهای نادرست از جنبش خلق ترکمن و معلول ثور بیهای اپورتونیستی و شوونیستی نیروهای بظاهر دوستان خلقمان است. ما باید از گذشته خونین مبارزات ملی - دموکراتیک بقیه در صفحه ۱۱

## ده سال

"انقلاب اسلامی" تلقی کرده، در صدد صدور این انقلاب برآمد. در آغاز انواع و اقسام ترور است به نقاط مختلف جهان صادر گردید و سپس بدنبال شروع جنگ ایران و عراق هوای فتح کرپلا و آزادی اورشلیم و... در سر پروراند، شد. این ادعای رژیم که همراه با شعارهای آتشین اسلامی و وعده وعیدهای پیامبر - مآبانه بود، در میان بعضی از مردم برخی از کشورهای مسلمان نیز بی انعکاس نماند. خیلی از آنان که از دور آوازه انقلاب اسلامی ایران و شعارهای مساوات طلبانه و مستضعف دوستانه آن را شنیده بودند، سپاتی هایی نسبت به این انقلاب و رهبر آن خمینی پیدا کرده بودند.

انقلاب اسلامی همچنین تکانه ای به کشورهای اسلامی داد. پاکستان و سودان رسماً سیستم حکومتی خویش را اسلامی اعلام کردند. چادر و چاقچور در بین برخی از زنان این کشورها و کشورهای دیگر چون مصر، ترکیه و... هواداران پر و پا قرصی یافت. برخی از مردان این کشورها نیز دوباره به سنت ها و موازین "اصیل اسلامی" برگشته، از دور با "امام بیعت کردند. گروه های تروریستی و انتحسار تشکیل شدند. آرامش بعضی از کشورها بهم زده شد.

بعد از اعلام آتش بس در جبهه های جنگ، جنگی که بیش از یک میلیون کشته و میلیارد ها دلار خسارت بر جای نهاده و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از طرف خمینی، وجهه سیاسی و مذهبی وی بشدت نزول کرد. خمینی همیشه از "سرایان شکست ناپذیر اسلام" و "جنگ اسلام علیه کفر" داد سخن می داد و وعده

می داد که بزودی کرپلا و اورشلیم بوسیله "لشکر اسلام" نجات خواهند یافت. بدین طریق آنچه خمینی پیشگویی کرده بود - آنها در نقش "امام" - تحقق نیافت و نتیجتاً آرزوی صدور "انقلاب اسلامی" به دیگر نقاط جهان نیز برای همیشه مدفون گردید. البته نباید امکان دوباره به فکر "صدور انقلاب" افتادن و نتیجتاً از سرگیری جنگ با رژیم عراق از طرف رادیکال های مذهبی را از نظر دور داشت. اینان تنها و تنها از موازین اسلامی هزارو چهارصد سال پیش حرکت کرده و الگویی شیوه حکومت و نحوه مقابله با مخالفین و دشمنان آندوره را فراروی خود قرار داده اند. به عبارتی دیگر رادیکالهای مذهبی معتقدند که همه مسائل باید بزور سر نیزه "حل" شود. اینکه در جهان امروزی چه می گذرد و جمهوری اسلامی تا چه حد در جوامع بین المللی ایزوله شده است، مسئله ای است که اینان چشم را بر آن فرو بسته اند و قدرت درک و تشخیص چنین مسئله ای را نیز ندارند. طبیعی است رژیمی که چنین سردمدارانی را دارد هم خود و هم جامعه را بسوی ویرانی و بدنامی می کشد.

اکنون که جنگ موقتا پایان یافته و رژیم خمینی فرصتی یافته تا بتوانند پایه های حکومتی را محکم نموده و نیروی نظامی خویش را تقویت کند، مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره دوباره مسئله روز شده است. اقتصاد ورشکسته مملکت و ویرانی های ناشی از جنگ باید ترمیم شوند؛ در مسئله میلیونها بیکار، بی خانمان، معتمد و... باید گشایشی ایجاد شود؛ مسئله

احزاب و فعالیت آنان، زندانیان سیاسی مخالفین و... بگونه ای باید حل گردد...

در رابطه با همه این مسائل و نیز چگونگی دیپلماسی خارجی، خلاصه کلام در ارتباط با چگونگی ادامه حکومت، سه جناح در حاکمیت دیده می شوند: رادیکال های مذهبی (افراطیون)، میانه روی های مذهبی و راست های مذهبی. رادیکال های مذهبی چنانکه اشاره شد خواهان صدور انقلاب و از سرگیری جنگ، دولتی کردن بازرگانی و تمرکز اقتصادی و غیره اند. میانه روی های مذهبی که بیشتر طرفدار عدم تمرکز اقتصاد و خصوصی کردن بازرگانی خارجی و گشایش محتاطانه بازار کشور بسوی غربند، در خیل سی از زمینه های مذهبی و موازین اسلامی با رادیکال های مذهبی اختلاف نظری ندارند. حتی در ارتباط با ترور و اعدام مخالفین کوچکترین اختلافی با رادیکالها ندارند. اما اینان نسبت به رادیکالهای مذهبی "واقع بین" ترند و به آنچه در اطراف خود می گذرد، بی اعتنا نیستند. جناح سوم را راست های مذهبی تشکیل می دهند. اینان شخصیت خمینی بعنوان آیت الله را زیر سؤال برده و موافق ولایت فقیه نیستند. رهبران راست های مذهبی که عمدتاً خارج از هرم قدرت قرار دارند، خواهان خصوصی کردن بازرگانی خارجی، عدم تمرکز اقتصاد یعنی در واقع ایجاد بازار آزاد، پایان قطعی جنگ و غیره هستند. لذا هر سه این جناح ها در رابطه با برخورد با مخالفین اختلاف چندانی با هم ندارند.

## ترکمنستان . . .

مرکزی بود . است .

خلق ترکمن ایران، از جمله خلقهای تحت‌ستمی استکه در سده اخیر، جراحات خونینی از طرف شاهان قاجار، حکومت روسیه تزاری، رضاخان و محمد رضا شاه بر پیکر آن وارد شده و سرزمین این خلق مورد تاراج و غارت قرار گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی بنابه سرشت ضد خلقی خود، وارث خلف بدعت شوم اسلاف خود بود و در ادامه جنایات حکومت‌های گذشته در ترکمنستان ایران، هروسيله ای را مجاز و هر نوع شقاوت و خونریزی و سرکوبی را مشروع دانسته و در تکمیل جنایات رژیم‌های گذشته، آئی غلظت نورزیده است. ما در ذیل مروری کوتاه بر کارنامه ده ساله حکومت تنگین جمهوری اسلامی در ترکمنستان ایران می کنیم، تا عمق رذالت و جنایت این رژیم را در حق خلقی صلح طلب که خواستی جز برآورده شدن حق طبیعی خود، یعنی تصمیم گیری مستقلانه برای تعیین سرنوشت خویش ندارد، هر چه بیشتر بر ملا سازیم. راه بقدرت رسیدن رژیم خمینی که از طریق ریودن محصول مبارزات خلق‌ها و زحمتکشان سراسر ایران هموار شد و تکیه زدن خمینی بر اریکه قدرت که معلول اشتباه تاریخی مردم ایران و محصول عقب ماندگی ذهنیت توده‌ها که این نیز بنویه خود نتیجه حکومت پهلوی و امثال آن است. این قدرت از طرف رژیم خمینی، درست علیه مردم و علیه خلقهای تحت‌ستم ایران بکار بسته شد و پیژگی سیاست ارتجاعی رژیم خمینی از اسلاف

خود در این استکه این رژیم، شوونیسم رابا مذهب درآمیخت و با استفاد از باورهای مذهبی عقب مانده ترین اقشار مردم، توانست آنها را نیز در اعمال جنایات رژیم خود در حق خلق‌های ساکن ایران با خود همراه سازد. بدینسان خمینی توانست، بر خلاف رژیم‌های گذشته آتش سرکوب و جنگ را در منطقه بوسیله ساکنین غیربومی ترکمنستان ایران روشن سازد و در لشکرکشی خود به منطقه ذهنیت بخشی از مردم ایران را علیه خلق ترکمن بشوراند و از این طریق بخشی از نیروی سرکوب خود را بسا د اوظلمین غیرنظامی از سراسر ایران تکمیل سازد.

رژیم خمینی، از همان روز تحقّق انقلاب، با آگاهی به این امر که خلیق ترکمن در قیل از انقلاب با طرح مستقلانه خواست‌های خود، صاف خود را از رژیم آینده جدا ساخته بود و با توجه بسه مغایرت این خواست‌ها با برنامه‌های ارتجاعی و قرون وسطایی خود، در صدد دور ساختن این خلق از قدرت و ایزوله ساختن آن در داخل ایران با هدف سرکوبی بدون سرود ای این خلیق برآمد. با تشکیل " کمیته های امام " و " کمیته های انقلاب " در منطقه کسه اعضای آنها را تماما افراد غیربومی و از همکاران سابق ساواک در منطقه و از غاصبین زمینهای خلق ترکمن و از لومپنها و معتادین شهرهای منطقه تشکیل میداده حلقه های توطئه سرکوبی خلق ترکمن بسته شد. شرکت ندادن نمایندگان خلق ترکمن از طرف رژیم در این کمیته‌ها،

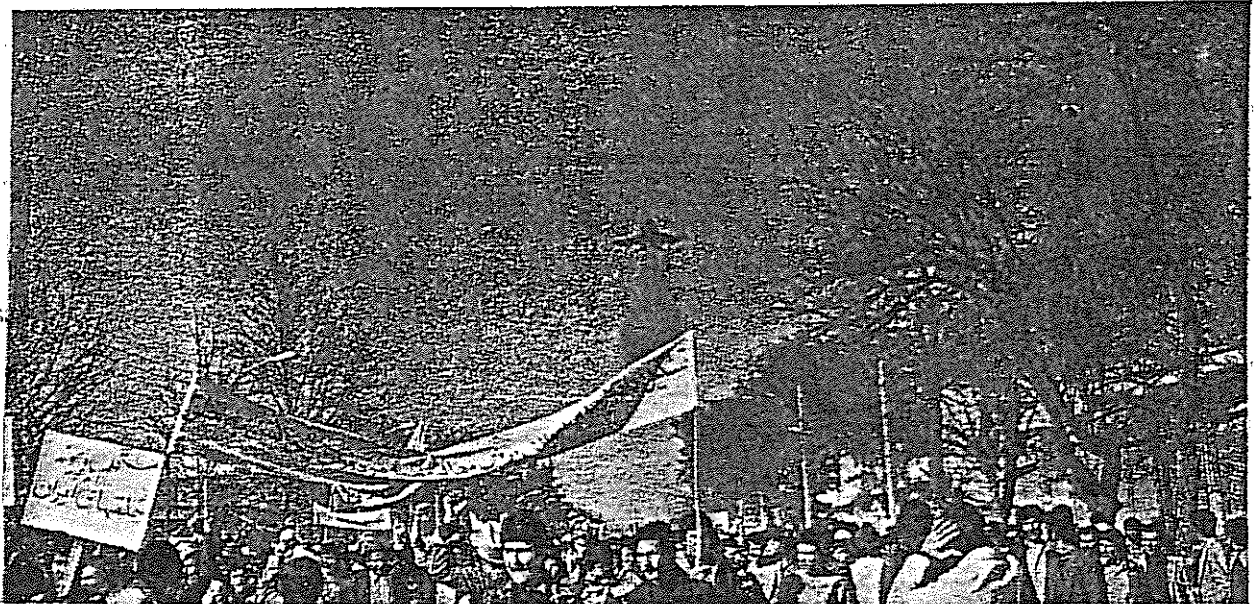
جهت اداره امور شهرهای منطقه، عمدتاً دو هدف را دنبال می کرد. اولاً: با شرکت ندادن ترکمنها در اداره امور شهرهای منطقه، امکانات مبارزاتی این خلق جهت مبارزه برای احقاق حقوق ملی و باز پس گیری زمینهای خود از دست غاصبان آن، به حداقل ممکن کاهش می یافت. ثانیاً: با سپردن قدرت به دست ساکنین غیربومی در شهرهای منطقه که اقلیتی ناچیز از مردم منطقه را تشکیل می دادند، اختلافات ملی و مذهبی بین مردم منطقه تشدید می شد و از این طریق با یو در رو قرار گرفتن خلق ترکمن و ساکنین غیربومی شهرها، بهانه سرکوبی خلق ترکمن و راه نجات امسال غصبی سرمایه داران و مالکان بزرگ در منطقه، برای رژیم فراهم می شد.

بعد از اتخاذ تمهیدات فسوق، حاکمیت توانست نقشه اصلی خود، یعنی تحمیل جنگ بر خلق ترکمن و سرکوبی خواست‌های عادلانه این خلق را به اجرا بگذارد. شروع عملیات ضد انقلابی جمهوری اسلامی در ۱۹ اسفند ماه سال ۵۷ از شهر بندر ترکمن بود. در اینروز اعضای " کمیته امام " این شهر، بر روی تظاهرات کنندگانی که علیه سیاست جمهوری اسلامی در منطقه تظاهرات نمود و خواهان اداره امور شهر و منطقه بدست خود ترکمنها بودند، آتش گشودند و ۱۳ نفر از تظاهر کنندگان بی سلاح را بشدت مجروح ساختند؛ و در جواب به اعتراض گسترده خلق ترکمن در شهر گنبد، به این اقدام ضد انقلابی رژیم، جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۷

## ترکمنستان ۰۰۰

قانتومهای خود را بر فراز صف تظاهرات کنندگان این شهر به پرواز درآورد و بسا شکستن دیوار صوتی سعی در ارتعاب مردم نمود. (عکس زیر)

تا آنوقت به خواست برحق روستائیان، جهت بازپس گیری زمینهای غصبی در منطقه، وقعی ننهاده بود، بمحض اطلاع از این تحصن، در ۲۵ اسفند ماه نمایندنده ویژه دولت رادنیا و نمایندنده کمیته امام جمهوری اسلامی، با توجه به اینکه از تمامی اقدامات ایضایی خویش نتیجه ای نگرفته بود و با مشاهده خلقی مصمم و استوار و آگاه به منافع ملی و طبقاتی خویش تاجوان مردانه در صد د یورش آشکار بسه



بزرگ مالکان و غاصبان زمینهای خلق ترکمن که فکر می کردند، حاکمیت بیرون آمده از دل انقلاب مردم، علیه منافع نامشروع آنان اقدام خواهد نمود، بسا مشاهده حرکات ایضایی رژیم علیه این خلق، با پشتگرمی بیشتری به تلاشهای خود جهت حفظ زمینهای غصبی و حفظ دیگر منافع غارتگرانه خویش در منطقه افزودند. بدنبال این اطمینان خاطر از ماهیت حاکمیت جدید بود که عده زیادی از غاصبین منطقه در ۲۰ اسفند ماه سال ۵۷، در محل دادگستری گنبد بنام "جمعی از کشاورزان" دست به تحصن زده و برای جلوگیری از صادره زمینهای غصبی خود از طرف صاحبان واقعی آن یعنی روستائیان غارت شده، دست بسه دامان دولت شدند. جمهوری اسلامی که

حجت الاسلام امید را جهت رسیدگی به تظلم غاصبین راهی منطقه نمود. با شروع مذاکره بین این هیئت در پشت درهای بسته با فئودالهای بزرگ منطقه که جمعا هزاران هکتار زمین غصبی در اختیار داشتند و با مشاهده اتومبیل پرازاسلحه این هیئت، برای روستائینی که لجهت دادخواهی و ملاقات با این هیئت از روستاهای اطراف گنبد به محل دادگستری این شهر آمده بودند، دیگر شکی باقی نماند که این هیئت جهت تبادل نظر با غاصبین منطقه بر سر چگونگی سرکوب روستائیان، به منطقه آمده است. بنابراین روستائیان با خلق سلاح هیئت مسزبور نشان دادند که دیگر نخواهند گذاشت دولت و غاصبین سرزمین این خلق، دوباره وضعیت سابق را به منطقه بازگردانند.

منطقه و سزکویی تمام عیار خلق ترکمن برآمد. بدیشان، رژیم جمهوری اسلامی با آغاز حمله بوسیله نقابداران خود در ۶ فروردین سال ۵۸ به میتینگ مسالمت آمیز ۲۰۰۰۰ نفری خلق ترکمن در گنبد، که به دعوت کانون و ستاد جهت اعلام خواست های خلق ترکمن تشکیل شده بود، رسماً جنگ با این خلق را اعلام داشت. در طول این جنگ و حتی قبل از آغاز آن، رژیم توانسته بود بسا استفاده از قدرت تبلیغی خود و بسا خدمت گرفتن رسانه های گروهی، با توسل به دروغ و تحمیق، از قبیل "جنگ با کفار" "جنگ با کمونیستها" و حتی "جنگ با نیروهای اشغالگر شوروی جهت جلوگیری از تجزیه کشور"، هزاران نفر را از سراسر بقیه در صفحه ۸

زمین از آن کسانیست که روی آن کار میکنند

## ترکمنستان ۵۵۵

ایران روانه جنگ با خلق ترکمن سازد. اما قدرت متحد خلق و توان بالای رزمندگی مبارزین ترکمن و شرایط نامساعد آن دوره برای سرکوبی تمام عیار، رژیم را بعد از ۹ روز جنگ در منطقه، با بجای گذاشتن ۶۲۵ نفر کشته از نیروهای اعزامی خود، وادار به عقب نشینی و پذیرش صلح نمود.

جمهوری اسلامی با پذیرش اجباری صلح در منطقه، جهت جبران شکست خود دمی از توطئه باز نایستاد. تا آغاز جنگ دوم رژیم علیه خلق ترکمن، این خلق شاهد صدها توطئه رنگارنگ رژیم در منطقه بود. از براه انداختن تشکیلاتهای خود ساخته جهت مقابله با کانون و ستاد، مانند "کانون فرهنگی و اسلامی خلق ترکمن"، "نهضت اسلامی جوانان ترکمن"، "انجمن اسلامی ترکمن" و غیره، از تفرقه افکنی بین ساکنین غیر بومی منطقه با ترکمنها بخصوص مسلح ساختن زابلها در بعضی از روستاهای و براه انداختن برخوردهایی از نوع برخورد های روستای کونگور، تا به رگبار بستن اهالی روستای کوچک نظر - خانی بوسیله سپاه پاسداران خان بیین جهت دفاع از زمینهای غصبی فنودال روستا "قدس" و کشته شدن ۳ نفر از اهالی روستا از مسلح ساختن فنودالهای منطقه بوسیله هنگ ژاندارمری گرگان (که رئیس ژاندارمری آن سرهنگ عبدالرشیدی معروف بود کدر دوران شامخدا مات گرانیهایی "بهرزیم شاه" نمود، و همواره پست های حساسی را در آن دوره احراز داشته است) و براه انداختن درگیریهایی با روستائیان از نوع درگیری منطقه شغال دپه، که در آن

یکی از مزدوران فنودال معروف آن منطقه صفرحاجی نظری (صاپارکوشی) در درگیری مسلحانه با روستائیان کشته شد؛ و تا انفجار سب در سینما های شهر بندر ترکمن و کافه رستورانهای این شهر و حتی تخریب توربین بزرگ آبرسانی این شهر و غیره، تنها گوشه هایی از جنایات و توطئه های رژیم در عرض نزدیک به یک سال حاکمیت شورایی خلق ترکمن در منطقه بود.

جمهوری اسلامی، بموازات پیشرفت صادره انقلابی زمینهای غصبی بورژوا - ملاکان در منطقه از سوی روستائیان و در نتیجه با تحدید منافع غارتگرانه آنها در منطقه و از سوی دیگر با شکل گیری و تثبیت شوراها، تعاونیها و اتحادیه ها و سایر تشکلهای مردمی و آلا با قدرت گیری هر چه بیشتر ستاد و کانون در جهت اعمال حاکمیت شورایی خلق ترکمن در منطقه، به اقدامات تروریستی و نظامی گرانه خود می افزود. رژیم تا آستانه شروع جنگ تحمیلی دیگر بر خلق ترکمن، تمهیدات معینی مانند تقویت هنگ ژاندارمری گرگان پادگان ارتش در گنبد، سرازیر ساختن مزدوران خود در شکل کمیته جی پاسداران به شهر گنبد و تقویت کمیته ها و پاسداران در شهرهای همجوار منطقه، تا پیشبرد تبلیغات زهرآگین و دروغین علیه کانون و ستاد و خلق ترکمن در سراسر ایران را بمرور اجرا گذارد. اینهمه تدارکات علنی و غیر علنی رژیم برای تحمیل جنگی دیگر به خلق ترکمن، در شرایطی بود که جریان مسلط بر کانون و ستاد، سازمان چریکهای فدایی خلق، سرمست از پیروزیهای بدست

آمده خلق ترکمن به نمایندگی کانون و ستاد در عرض نزدیک به یکسال در منطقه و سرگرم و سردرگم در چگونگی برگزاری هر چه پر قدرت تر تظاهرات ۱۹ بهمن در منطقه، هیچگونه تدارکی در جهت خنثی سازی (بغیر از مدور چند اعلامیه و اطلاعیه) این همه تمهیدات سیاسی و نظامی هدفمند حاکمیت و هیچگونه برنامه ای برای مقاومت و یا برای عقب

نشینی با برنامه، ارائه نداده بود و تا آخرین لحظه نیز، مبارزین ترکمن مشغول فعالیت عادی و روزمره خود بودند. این غافلگیری و عدم آمادگی و بی برنامهگی از یکسو و از سوی دیگر عدم جنگ خواهی و نیاز خلق ترکمن به صلح و آرامش، باعث شد که رژیم، ظاهرا به آسانی به اهداف جنگ طلبانه و سرکوبی خلق ترکمن جامه عمل بپوشاند. عمق جنایات رژیم در منطقه و رذالت و پستی مزدوران آن در اعمال این جنایات و ذوغ پراکنی و برچسب زنی و تناقض گویی آنها، می توان از خاطرات خلخالی، بعنوان جلاذ ویژه رژیم در منطقه با مسئولیت مستقیم وی در سرکوبی این خلق به آسانی دریافت. ما در ذیل خاطرات وی و یا به بیانی دقیقتر خود - افشاگریهای خلخالی را جهت قضاوت خوانندگان گرامی بصورت کامل نقل می کنیم: "اوضاع در ترکمن صحرا بحرانی شده بود و امام در نقاهت بسر میبردند از طرف حضرت آیت الله منتظری دامست برکاته طی حکمی به من مأموریت داد، شد که برای خواباندن غائله خلق ترکمن به آن دیار بروم. زمانیکه حرکت من از رادیو بقیه در صفحه ۹



## ترکمنستان ۵۵۵

اعلام شد بنی صدر که تازه به ریاست جمهوری رسیده بود، با تلفن گفتند که شما حق رفتن به گنبد را ندارید (بنی - صدری که با گفتن این جمله که "خلق ترکمن را خانه بخانه می گویم"، می خواست افتخار سرکوبی این خلق را از آن خود سازد!) من بلافاصله در جواب او گفتم من از ظرف آیت الله منتظری منسوب شده ام می روم و اینکار هیچگونه ربطی بشما ندارد مگر اینکه خود آقای منتظری مانع شوند. تلفن بمنزل آقای منتظری شروع شد. ایشان فرمودند که حرکت نکردی؟ گفتم فردا صبح می روم. ایشان فرمودند بروید مانعی ندارد من بسه ایشان عرض کردم این اولین حکم شماست شما باید محکم باشید و جا نخورید اگر تنزل نمایند دیگر از شربنی صدر راضی نخواهیم بود ایشان هم ایستادگی کردند و ما بالاخره وارد شهر گنبد شدیم گنبد چه گنبدی - تمام خیابانها را خلق ترکمن دیوار کشیده و شهر را در اختیار خود گرفته بودند (!!) همه جا صدای تیسر بگوش می رسید و آتی متوقف نمیشد و مجرد مین درجه یک که در زندان شهرنسی بودند هر لحظه می خواستند از زندان بیرون بیایند آنها سر بشورش برداشته دیلم و بیل و کلنگ تهیه کرده بودند، می خواستند دیوارهای زندانرا بشکافند و فرار کنند و یا به خلق ترکمن ملحق شوند (!) - سپاه پاسداران که از تهران و اصفهان و قم و بابل و قائم شهر بدروازه گنبد رسیده بودند از ترس رگبار آنها نمی توانستند وارد شهر شوند. خلق ترکمن نه تنها در گنبد بلکه در تمام اطراف

پایگاه برقرار کرده بود و از بندر ترکمن گرفته تا آق قلعه و کمش تپه اوضاع را قبضه کرده بود. من وقتی که وارد شهر شدم و در مجاورت شهر بانی که دادستانی بود اقامت کردم رئیس شهر بانی پیش من آمد بی اندازه ترسیده بود گفتم هیچ نترس تا فردا اوضاع آرام خواهد شد افراد سباهی، منجمله آقای درویش و آقای نوروزی مرحوم و آقای بنفشه و استاند ار آقای صحف و سامعی فرما - ندار گنبد و آقای دراز گیسو فرماندار گرگان بی اندازه فعالیت می کردند و با ما همکاری می نمودند ما چون جریان کردستان را دیده بودیم و وضع گنبد را شاهد بودیم الحق والانصاف هیچ کوتاهی نکردیم چون گنبد بمراتب وضع بدتر از کردستان داشت چون متصل به خاک شوروی بود و آنها دو ماه قبل به افغانستان وارد شده بودند و میخواستند حکومت مستقل بنفع آنها در گنبد برپا نمایند (!!) ما در گنبد دست بکار شدیم و در بدو ورود چهار نفر از افراد برجسته آنها را که عبارت از توماج و جرجانسی و واحدی و مختوم اعدام نمودیم ایادی چهار نفر منجمله ارزانش از طرف رودخانه اترک با روسیه در ارتباط بودند (!!) - اسبهای آنها به اینطرف تجاوز کرده و با هلی کپتر نفرات و مهمات برای آنها می آوردند (!!) - صدای شلیک بر این چهار نفر که در مجاورت زندان شهر بانی صورت گرفت آنها نیز ماستها را کیسه کردند و سرودها خوابید. نشان بهمان نشان که در حین توقف ده روزه ما در گنبد ۹۴ نفر منجمله چند نفر از طلاب سنی ترکمن را من دستور اعدام دادم و این

طلبه ها عوض اسلام و قرآن در اطراف رفته از کمونیسیم و از لنین تعریف می کردند و آنها را بر پیامبر اسلام ترجیح میدادند آیا بغیر از این میشد گنبد را نگه - بداریم (!!) لا والله . . . و این حسرت است خدایی بود که با دست من در ایران ظاهر شد و ما این کارها را برای خاطر خداوند و این ملت بپا خاسته انجام دادیم و امیدواریم که ما را در هر حال که به نفع اسلام هستیم یاری نمایند. (کیهان سال دوره جدید، جلد اول - ۱۳۶۴)

خلخالی در اینجا، بعنوان جلال ویژه رژیم، درست مانند اسلاف فاشیست خود متوسل به متد گوبلزی می شود که "دروغ هر قدر بزرگتر باشد بهمان اندازه باورش نیز راحت تر است!" و برای توجیه این همه ددمنشی و خونریزی و "حرکت خدایی" خود در منطقه، آسمان ریسمان می بافت تا نشان بدهد که جنگ رژیم علیه شوروی و جدایی بخشی از خاک میهن و جنگ بین کفر و اسلام بوده و نه جنگی برای نجات منافع غاصبان سرزمین این خلق و دفاع از منافع آرمندان بزرگ - مالکان و بورژوا - ملاکان و نه جنگ بین شوونیسم مذهبی علیه حق تعیین سرنوشت این خلق بدست خویش. وی حتی موقعی که وارد جزئیات جنایات خود می شود از گفتن اینکه چگونه خود وی به همراه اوباشان خود، بعد از دو روز عقب نشینی رزمندگان ترکمن نیز نمی توانست از ترس وارد منطقه ترکمن نشین گنبد شود خود داری می کند! و یا اینکه چگونه اموال مردم را به تساراج بردند و چگونه پیرمردان و پیرزنانی را که بعلت ناتوانی جسمانی قادر به ترک شهر

## ترکمنستان . . .

نبودند، وحشیانه برگیار بستند و یا چگونه روستای بد لجه را با تمامی اموال و احشام روستائیان به آتش کشیدند! خلخالسی نمی گوید که از ۹۴ نفری که وی دستور اعدام آنها را داده بود، اکثریت قریب به اتفاقشان نه در جنگ شرکت داشتند و نه جزو عناصر سیاسی منطقه بودند و صرفاً بخاطر ارضاء کینه حیوانی رژیم علیه خلق ترکمن و صرفاً بخاطر ترکمن بودنشان اعدام شده اند. خلخالسی از چکسونگی بتوپ بسته شدن مقر کانون وستاد مرکزی شوراها و از کتاب سوزان خود واز منفجر ساختن ساختمان کتابخانه های محلی در شهرها و روستاها نمی گوید؛ و یا از تقسیم پول و گندم بر سر راه خود از گنبد به بندر ترکمن به روستائیان غریبومی منطقه، بخصوص در بین زابلیها (به هر نفر دوست تومان پول و همراه با یک کیسه گندم!) جهت شوراندن آنها علیه روستائیان ترکمن حرفی نمی زند؛ و یا اینکه سخنی از همکاری بزرگ مالکان منطقه با رژیم در بحبوحه جنگ دوم بیان نمی آورد و این مسئله را مسکوت می گذارد که چگونه قبل از تحمیل جنگ دوم بر خلق ترکمن، یک پای بزرگ مالکان و غاصبین در تهران و پای دیگرشان در جلسات سری شان در منطقه بود، و چگونه آنها بسا آمدن خلخالسی به منطقه نمی توانستند خوشحالی خود را پنهان سازند و بعد از به توپ بسته شدن مقرستاد و کانون و اعدام بهترین فرزندان خلق ترکمن مجالس عیش و نوش برقرار می کردند و در تعقیب و دستگیری فعالین کانون وستاد

با ارگانهای سرکوب رژیم بطور مستقیم و غیر مستقیم همکاری می کردند! بعد از تحمیل جنگ دوم رژیم روند ملیتاریزه کردن منطقه را از طریق اعزام بیسابقه پاسداران و بسیجیان و کمیته جی ها و تقویت پادگانها و پاسگاه ها، شدت داد. بموازات ایجاد ده ها مقر در گوشه و کنار ترکمنستان ایران بسیاری نیروهای اعزامی رژیم، دیوارهای زندانها جدید نیز در منطقه پدیدار شدند. رژیم با اعلام ترکمنستان بعنوان منطقه جنگی، سرکش ترین و لومین ترین عناصر سپاه و کمیته را بعنوان تشبیه و جریعه به منطقه اعزام نمود! روند اسلامیزه کردن و جب به وجب منطقه، در دستور کار رژیم قرار گرفت. در راستای پیشبرد سیاست فوق، به همه چیز رنگ اسلامی زده شد. از شوراها و روستایی گرفته تا کتابخانه ها و تعاونیها و مزارع غصبی خود رژیم در منطقه تا نام خیابانها و کوچه ها و حتی نحوه برگزاری مراسم عروسیها از سیاست اسلامیزه کردن منطقه بدور نماند! بی شخصیت ترین و بدنام ترین عناصر بومی و غیر بومی در هر شهر و روستا، به خدمت ارگانهای سرکوب رژیم درآمدند و رژیم آنها را در جهت پیگرد مبارزین ترکمن و ایجاد ارباب در بین مردم بکار گرفت. روند کوچ و اسکان افراد غریبومی به شهرها و روستاهای منطقه طبق سیاست رژیم گذشته، مبنی بر تخریب تدریجی ترکیب جمعیت منطقه تشدید گردید. صدها تن از بهترین فرزندان خلق ترکمن زندانی و تحت شکنجه های حیوانی قرار گرفتند و ده ها تن از آنان

به جوخه های اعدام سپرده شدت شد و تعدادی دیگر نیز آواره کشورهای بیگانه شده و به تبعید اجباری تن در دادند. توهین به غرور و هویت ملی خلق ترکمن در کوچه ها و خیابانها، پدیدار گردید و دشمنی با هر آنچه که نمودی از هویت این خلق را در خود داشت، آغاز شد. روند غصب زمینهای شورایی روستائیان از طرف بنیاد مستضعفان و جهاد سازندگی رژیم و بعضاً واگذاری این زمینها به غاصبین سابق آن، به همراه مسخ و تنزل شوراها تا حد نهادهایی صنفی تشدید شد. توطئه های شیلات علیه تعاونیهای صید و صیادان، جهت بازگرداندن دریا به اربابان سابق به انحاء مختلف آغاز شد و . . .

رژیم ضد خلقی خمینی، موقعی که از این همه سیاست تخریبی خود در منطقه نتیجه دلخواه را نگرفت، جنگ اعتیاد را علیه خلق ترکمن آغاز نمود. با همکاری ارگانها به اصطلاح مبارزه با مواد مخدر رژیم، گرد خانان سوز تا دور افتاده ترین روستاهای منطقه راه یافت و هزاران نفر از جوانان ترکمن را در چنگال دیو اعتیاد گرفتار ساخت. بدنبال گسترش اعتیاد، نتایج تبعی آن نیز مانند فحشاء گدایی، مرگومیر زودرس، جنایت، دزدی و . . . برای اولین بار در میان خلق ترکمن پدیدار شد . . .

در بررسی کارنامه ده ساله رژیم خمینی در میان خلق ترکمن، نمی توان حتی به یک لکه سفید و یا به یک نکته مثبت برخورد. ارمان حکومت ده ساله

## پیام...

خلق ترکمن پند بگیریم و آن رادرمبارزات امروزه خود بکار بیندیم. باید بیه خاطر بیاوریم که عمده دلیل داخلی در سقوط جمهوری ترکمنستان ایران در ۶۵ سال قبل، پراکندگی و عدم اتحاد طوایف مختلف خلق ترکمن بوده است. امروز، هر چند مسئله طوایف از میان خلق ترکمن ایران رخت بر بسته است، اما جای آن را پدیده دیگری با ضمنی متفاوت و خطرناک گرفته است. امروز این بظاهر دوستان خلق ما هستند که با مجموعه انحرافات خود و بدون توجه به دست و پا زدنهای خود در بحران ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی شان، با نیت در انحصارگرفتن مبارزات خلق ما و جهت نابودی استقلال کانون و بتبع آن برای دور ساختن خلق ترکمن از داشتن نمایندگی سیاسی خاص خود که نتیجه ای جز محروم ساختن این خلق از حق تعیین سرنوشت آزادانه خود بدست خویش ندارد، در میان مبارزین ترکمن به نفاق افکنی و پراکندن تخم شدد و بد بینی مشغولند. آنها در پیشبرد سیاست فوق ناموفق نیز نبودند. مبارزین ترکمنی را که در صفوف خود با فریب و تطمیع و یا با سوءاستفاده از باورهای پاک و صداقت انقلابیشان نکه داشته اند، همچون ایزاری علیه عنصر استقلال در جنبش خلق ترکمن و بتبع آن در تشکیلات کانون بکار گرفته و می گیرند.

ما، در دهمین سالگرد بنیانگذاری کانون فرهنگی - سیاسی، تمامی مبارزین ترکمن را به پیوستن به صف کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن، تنها

سازمان مستقل و ظرفدار دموکراسی واقعی فرا می خوانیم.  
گرامی باد دهمین سالگرد بنیانگذاری کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ایران!  
برقرار باد اتحاد خلقهای تحت ستم ایران سرنگون باد رژیم ضد بشری خمینی

## گرامی باد ۵۵۵

برخاسته از ویژگیهای جامعه ایران و منعکس کننده خواست واقعی مردم هستند، دچار مسائل و مشکلاتی بوده و هست. طبیعی است که برای هر سازمان رزمندهای گریزی از این مشکلات نیست. زمانی باند غنی بلور یان تحت شعارهای چپ ولی در ماهیت در خدمت راست، با طرح و همکاری حزب توده دست به توطئه انشعاب زد و زمانی دیگر گروه دیگری باز تحت پوشش شعارهای چپ و "انقلابی" تدارک انشعاب دیگری را دیدند که در نهایت هم آن و هم این نه بود جنبش ملی - دموکراتیک خلق کرد، که مطلقا به زبان آن خدمت می کنند.

تجربه حزب دموکرات و جنبش دو ربه ندان و فرقه دموکرات و جمهوری آذربایجان، تجارب گرانبها و تاریخی برای تمامی خلقهای ایران است. این تجارب به ما می آموزد که هر خلقی باید در جهت تشکیل گردانهای رزمنده خود و برخورد ارشدن از نمایندگان سیاسی خاص خود مبارزه بکند و تا مادامیکه خلقی به این وظیفه جامه عمل نهوشانسد نمی تواند انتظار اینرا نیز داشته باشد که خواست های ملی و ویژگیهای منطقه ای آن از طرف نیرویی غیر، بویژه از سوی

ظرفداران "سوسیالیسم علمی" که در حرف گلو را برای "حق تعیین سرنوشت ملل بدست خویش" و دموکراسی و غیره پاره می کنند، ولی در عمل آنها را بطور خشن پایمال می کنند، در نظر گرفته شود و حقوق این خلق کاملا رعایت گردد. طبیعی است که در صورت همکاری و شرکت علمی و واقعی همه ملت های ساکن ایران از طریق نمایندگان سیاسی خاص خود در مبارزه امروز و در ساختن فردای ایران روند پیشرفت اجتماعی را کم درد ترس و موفق تر به پیش خواهد رفت.

## ده سال ۵۵۵

در فاصله کوتاه بعد از اعلام آتش بس در جنبه های جنگ، کشتار و سיעسی از انقلابیون در بند راه افتاده است. در اتخاذ تصمیم و اجرای این جنایت همه این جناح ها سهیم اند.

اینهمه اعدام و برخورد های عصبی رژیم به مسائل و رویدادهای جامعه و تعمیق و تشدید اختلاف درون جناح ها، هر چه بیشتر ایزوله شدن در سطح بین المللی و عاجز ماندن از حل معضلات گره ای جامعه و... بیانگر اقول "ستاره اقبال" رژیم است. با چنین سیستم حکومتی و با چنین ماهیت حکومتی، هیچ رژیمی نمی تواند مدت درازی پایدار بماند. دیگر رفرم نیز به داد رژیم نخواهد رسید.

## ترکمنستان ۵۵۵

رژیم نکبت بار خمینی برای خلق ترکمن، جز جنگ و خونریزی و سرکوب خواستهای برحق این خلق و تحمیل زندگی ای سراسر رنج به این خلق چیزی نبود و نخواهد بود.

برقرار باد اتحاد خلقهای تحت ستم ایران!

## گرامی باد دو ریبه ندان

دوم بهمن ماه، روز گرامی داشت جمهوری کردستان ایران است که هر ساله نه تنها از طرف خلق کرد، بلکه از جانب تمامی نیروهای مترقی و انقلابی ایران نیز گرامی داشته می شود. این روز بعنوان روزی افتخارآمیز بر تارک مبارزات خلق کرد و سایر خلقهای ایران میدرخشد. نام دو ریبه ندان، برای خلق کسرد تداعی کننده حکومت خود مختار آن و پشتوانه ای بزرگ برای برپایی دو ریبه - ندانی دیگر برای این خلق است.

جمهوری کردستان که تشکیل آن در دوم بهمن ماه ۱۳۲۴ در میدان مهاباد اعلام شد، متأسفانه نتوانست پیش از یازده ماه به حیات پرافتخار خود ادامه دهد. این جمهوری از بدو تشکیل خود، با مخالفت لجام گسیخته شوونیستهای وطنی و استعمارگران خارجی مواجه شد که در رأس آنان دربار پهلوی و حکومت مرکزی ایران قرار داشت. هر چند رژیم شاه توانست این جمهوری را تحت پوشش مبارزه با "جدایی طلبی" و "دغبناع از تمامیت ارضی ایران" سرنگون سازد، اما همکاری نیروهای انگلیسی و آمریکایی در سرنگونی آن با حکومت مرکزی و آمادگی با ش کامل نیروهای انگلیسی در خاور میانه و کمکهای نظامی آمریکا به رژیم شاه در لحظه سرکوبی این جمهوری، سبب انکار ناپذیری در همکاری شوونیستهای داخلی و استعمارگران خارجی و خط بطلانی بر ادعاهای رژیم شاه در سرکوب این جمهوری می باشد. بدینسان رژیم شاه نتوانست جمهوری نهایی کردستان را

براندازد و قاضی محمد و سایر رهبران جنبش ریبه ندان را اعدام بکند، اما نتوانست زیستن بنا به طبیعت خود را در خلق کرد نابود و عشق به دو ریبه ندانها و قاضی محمدها را در دل این خلوق خاموش سازد. درست بر همین مناسکه اگر خلق کرد دیروز جهت بدست آوردن خود مختاری علیه رژیم شاه می جنگید، امروز علیه رژیم مطلقه خمینی می جنگد و با مبارزات خونین خود ثابت کرده است که تا بدست آوردن حق تعیین آزادانه سرنویشت خویش، دمی از پای نخواهد ایستاد.

جنبش دو ریبه ندان که مصادف با جنبش آذربایجان بود، مسیری کاملاً متفاوت از این جنبش طی کرده است. اگر امروز تمامی خلقهای تحت ستم ایران به دو ریبه ندان و به ادامه دهندگان را، این جنبش افتخار می کنند، در برخورد با جنبش آذربایجان و فرقه دموکرات، کسه روزی حزب پیشروی این حرکت بود، چنین افتخاری به چشم نمی خورد. سرنویشت این دو حزب حاوی درسهای گرانبهایی برای مبارزان خلقهای تحت ستم ایران است که یکی منادی استقلال اندیشه و عمل خلق خود و پیکار در راه دموکراسی و آزادی و دیگری منادی وابستگی و نفی استقلال خلق خویش است. کسانیکه با بند و بستهای سیاسی و با شخصیتهایی چون پیشه وری به هدف استحاله و نابودی فرقه دموکرات آذربایجان نائل آمده اند، خود نیز امروز

وضعیتی بهتر از فرقه ندارند! و اگر رژیم شاه به سرکوبی جنبش آذربایجان بعنوان دفاع از تمامیت ارضی ایران و با ادعای دروغین مقابله با تجزیه طلبی ایران افتخار می کند، آنان نیز می توانند امروز نابودی فرقه دموکرات آذربایجان را بعنوان برگ "زین" دیگری بر کارنامه نترناسیونا - لیستی خود (۱) و مبارزه با "ناسیونالیسم" قلمداد کرده و در این افتخار شاهانه سهیم باشند!

حزب دموکرات بعد از سرکوب شدن جنبش دو ریبه ندان، با دوراندیشی و درایت سیاسی، خود را در احزاب دیگر مستحیل ساخت؛ چه در آنصورت امروز از این حزب مانند فرقه دموکرات آذربایجان، بجز نام بی معنایی چیز دیگری باقی نمی ماند. هر چند حزب دموکرات از بدو تشکیل خود راه پرفراز و نشیبی را طی کرده است ولی در هیچیک از مراحل دشوار حیات خود، استقلال اندیشه حزب و حق تعیین سرنویشت خلق خویش را به باد خسیان نسپرد و درست به همین خاطر است که امروز توانسته است بعنوان رهبر مبارزات ملی خلق کرد در ایران، به وزنه سنگینی در صحنه سیاسی ایران تبدیل شود. حزب دموکرات نیز مسلماً مانند هر حزب و سازمان دیگری که

بته در صفحه ۱۱

آدرس در خارج از کشور

POSTFACH 210101

5000 KÖLN 21

WEST-GERMANY

گرامی باد خاطرۀ تابناک شهدای  
خلق ترکمن!